

الله أكبر



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان و ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

(تصحیح انتقادی دیوان قصاید سیدطاهر آتشی شیرازی خباز)

استاد راهنما:
دکتر علیرضا شعبانلو

استاد مشاور:
دکتر عبدالحسین فرزاد

پژوهشگر:
طیبه شیخ ویسی

مهرماه ۱۳۹۵

به نام پروردگار جهانیان

منت خدای راست که به بنده‌نوازی مرا توفیق علم‌آموزی فرمود و درود بیکران بر خاتم پیامبران محمد مصطفی صل الله علیه و آله و سلم.

این وجیزه به انجام نمی‌رسید اگر همراهی استادان بزرگوار جناب آقای دکتر علیرضا شعبانلو در مقام راهنما و جناب آقای دکتر عبدالحسین فرزاد به عنوان مشاور نبود. به رسم ادب از ایشان بسیار سپاسگزارم و از درگاه خداوند متعال برای این بزرگواران طول عمری توأم با صحت و عافیت مسئلت دارم.

به همراهان همیشگی زندگی ام

پدر و مادر عزیزم

که حضورشان گرمابخش روزگار من است.

چکیده

دیوان قصاید آتشی شیرازی (خباز) حماسه‌ای دینی محسوب می‌شود که در قرن نهم سروده شده و به گفته شاعر ولایت‌نامه است. این دیوان مشتمل بر ۵۰۰۰ بیت است و شرح دلاوری‌ها و غزوات امیرالمؤمنین علی (ع) و پیامبر اسلام (ص) است. دیوان آتشی شیرازی (خباز) به جنگ‌نامه علی (ع) معروف است که سومین حماسه مشهور دینی محسوب می‌شود و در تمام فهرست‌ها و مقالاتی که از او نام برده‌اند شامل قصایدی سست معرفی شده و فاقد ارزش ادبی به حساب می‌آمده است. با توجه به مباحث سبکی می‌توان گفت این تصورات به این دلیل شکل گرفته که این منظومه در سبک عراقی و سبک رایج زمان شاعر نمی‌گنجد است و تمایل آن به سبک خراسانی مانع تبلور آن در میان شاعران سبک عراقی شده است.

نام سیدطاهر آتشی شیرازی با دو لقب نانا و حکیم در فهرست‌ها ثبت شده است. با اینکه این نام برای دو فرد مجزا و در زمان (قرن نهم و یازدهم) و مکان (هند و ایران) مختلفی است اما در اکثر موارد به اشتباه یکی پنداشته و گاهی آثار یکی را به دیگری نسبت داده‌اند. بنابر شواهد موجود آتشی نام چند شاعر است که اشعارشان به سبب همانمی با یکدیگر خلط شده و این در هم آمیختگی سبب بروز ناهمگونی در نسخ اشعار آتشی شیرازی شده است.

در تذکره‌ها نام آتشی همراه صبوحی شاعر ذکر شده است؛ گویا او نیز خباز بوده و یکدیگر را هجو می‌گفته‌اند.

سیدطاهر آتشی شیرازی معروف به خباز، اثر دیگری غیر از ولایت‌نامه ندارد هرچند گاهی معدن افکار را نیز به او منسوب می‌دانند. این انتساب از همانمی سیدطاهر آتشی خباز و سید طاهر آتشی حکیم ناشی می‌شود.

در نهایت یازده نسخه یافت شد که قصاید آتشی در آنها موجود بود، نسخ بدین ترتیب‌اند: کتابخانه آیت‌الله خویی ش ۲۲۸، مسجد جامع گوهرشاد ش ۱۴۴۶، آستان قدس رضوی ۲ نسخه به شماره‌های ۸۱۷۷ و ۳۴۴۱۳، کتابخانه ملی ۲ نسخه به شماره‌های ۵-۰۷۶۸۳ و ۵-۱۸۱۴۹، مجلس شورای اسلامی ش ۱۱۶۳۱، مجلس شورای ملی ش ۷۵۳۱، کتابخانه ملی تبریز ش ۲۹۵۸، دانشگاه تهران ش ۳۱۹۵ و کتابخانه شخصی آقای عاطفی.

از میان نسخی که ذکر آن‌ها رفت نسخه کتابخانه آیت‌الله خویی (ره) را، که از لحاظ کتابت قدیمی‌تر از دیگر نسخ بود و با توجه به مباحث سبک‌شناسی، انسجام متن و سلامت ظاهری ارجح می‌نمود، به عنوان نسخه اساس برگزیدیم. از آنجایی که نسخ در تعداد قصاید با یکدیگر برابری نمی‌کرد و چندین شاعر با تخلص آتشی وجود داشت، تنها

قصایدی مورد مقابله قرار گرفت که در نسخهٔ اساس موجود بود با فرض اینکه اثر قدیم از دستبرد محفوظ وده تا از پراکندگی و تشتت جلوگیری شود.

شاعر از نظر سبک شعری، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری ویژگی‌های برجسته‌ای دارد. آرکائیسیم واژگانی و کاربرد عناصر بیانی به خصوص تشبیه و استعاره از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک اوست.

در سطح زبانی، بیشتر ویژگی‌های لغوی و دستوری سبک خراسانی را رعایت کرده، البته از ویژگی‌های سبک عراقی نیز غافل نمانده است. سبک، مسألهٔ بسامد است و با توجه به اینکه ویژگی‌های سبک خراسانی و عراقی در کنار هم به کار رفته است، در برخی موارد به سبک خراسانی و در برخی موارد به سبک عراقی نزدیک شده است؛ مانند اینکه هم «اندر» و هم «در» به کار برده شده اما بسامد کاربرد «در» بیشتر است، بنابراین می‌توان گفت سبک این اشعار متمایل به سبک خراسانی و در حقیقت بین سبک خراسانی و عراقی است که در سطح زبانی به سبک خراسانی متمایل است و در سطح ادبی به سبک عراقی نزدیک شده است.

پیش از این فاطمه‌سادات طاهری و فریبا چینی مقاله‌ای با عنوان «معرفی طاهر آتشی شیرازی همراه با سیری در ولایت‌نامهٔ وی» به چاپ رسانده‌اند؛ همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «تصحیح و تعلیق دیوان طاهر آتشی شیرازی» توسط سیداسماعیل فاطمی نگاشته شده است. در هر دو مورد نگارندگان با در دست داشتن چهار نسخه از آتشی به معرفی اجمالی او پرداخته‌اند.

در پژوهش حاضر دیوان قصاید آتشی با یازده نسخه و به شیوهٔ انتقادی تصحیح شده است.

کلید واژه: نسخه خطی، حماسه دینی، دیوان قصاید، ولایت‌نامه، آتشی.

فهرست

فصل اول: مقدمه	۱
۱-۱-۱ معنی لغوی حماسه	۱
۲-۱-۱ زمینه ظهور حماسه‌های دینی	۲
۳-۱-۱ انواع حماسه از نظر قدمت	۳
۴-۱-۱ دلایل به وجود آمدن حماسه دینی	۳
۵-۱-۱ جایگاه حماسه دینی در بین ایرانیان	۴
۶-۱-۱ هدف از خلق حماسه‌های دینی	۵
۷-۱-۱ مختصری درباره مناقب‌خوانی	۵
۸-۱-۱ ویژگی‌های عمده حماسه‌های دینی منظوم فارسی	۵
۹-۱-۱ درباره ولایت‌نامه‌ها	۶
۲-۱ معرفی آتشی شیرازی	۶
۱-۲-۱ شاعرانی که تخلص آتشی داشته‌اند	۷
۲-۲-۱ ذکر آتشی شیرازی (ختیاز) در تذکره‌ها	۹
۳-۱ معرفی نسخه‌های اشعار وی	۱۲
۴-۱ بررسی سبکی اشعار وی	۲۵
فصل دوم: روش‌شناسی پژوهش	۴۷
۱-۲ معرفی شیوه تصحیح	۴۸
۲-۲ معرفی شیوه رسم‌الخط	۵۰
فصل سوم: پیشینه پژوهش	۵۱
۱-۳ معرفی پژوهش‌هایی که در رابطه با این موضوع انجام شده‌اند	۵۲
فصل چهارم: قصاید	۵۳
۱-۴ قصیده اول	۵۴
۲-۴ قصیده دوم	۷۴
۳-۴ قصیده سوم	۹۲
۴-۴ قصیده چهارم	۱۱۲
۵-۴ قصیده پنجم	۱۳۹
۶-۴ قصیده ششم	۱۵۹
۷-۴ قصیده هفتم	۱۶۹
۸-۴ قصیده هشتم	۱۷۹
۹-۴ قصیده نهم	۱۸۸

۲۰۰.....	۱۰-۴ قصیده دهم:
۲۱۳.....	۱۱-۴ قصیده یازدهم:
۲۲۷.....	۱۲-۴ قصیده دوازدهم:
۲۳۶.....	۱۳-۴ قصیده سیزدهم:
۲۳۷.....	۱۴-۴ قصیده چهاردهم:
۲۷۸.....	۱۵-۴ قصیده پانزدهم:
۲۸۹.....	۱۶-۴ قصیده شانزدهم:
۳۰۶.....	۱۷-۴ قصیده هفدهم:
۳۱۳.....	۱۸-۴ قصیده هجدهم:
۳۲۹.....	۱۹-۴ قصیده نوزدهم:
۳۴۷.....	۲۰-۴ قصیده بیستم:
۳۵۸.....	۲۱-۴ قصیده بیست و یکم:
۳۶۸.....	۲۲-۴ قصیده بیست و دوم:
۳۸۱.....	پیوست
۴۰۴.....	منابع

فصل اول:

مقدمه

۱-۱ سخنی درباره شعر و منظومه‌های دینی:

۱-۱-۱ معنی لغوی حماسه

حماسه در اصل از ریشهٔ حَمَسَ به معنی شدت و حدّت در کار، گرفته شده است. و در واقع «واژه‌ای تازی، به معنی تندی و تفتی در کار و دلاوری است. حَمِيس و حَمِيسَ به معنی دلیر است و در واقع به معنی کسی که در کار سخت و استوار باشد. تَحامس و احتماس به معنی در هم آویختن و گشتن به کار برده شده است. در زبان تازی، سال سخت را سنّة حَمَسا می‌گویند.

حماسه اصطلاحی است برای نوع ادبی که مهمترین مواد محتوایی آن، اساطیر پهلوانی، دلاوری-ها، مبارزات، آمال و افتخارات یک ملت است. اما با توجه به مطالعهٔ پیشینهٔ این نوع ادبی می‌توان گفت: حماسه آرزوها و خواست یک ملت یا همان ادبیات شفاهی (فولکلور) است که سینه به سینه انتقال یافته است. (دوستخواه، ۱۳۸۴: ۱۴ و ۱۷) برخی معتقدند حماسه از ترکیب چند آخشیج (عنصر) اسطوره، افسانه، فولکلور و تاریخ تشکیل شده است.

خاستگاه حماسه از سروده‌های پهلوانی است که خود شعر روایی کوتاهی در وصف کارهای پهلوانی است. در این شعر تمرکز بیشتر به پهلوان است و داستان فقط مانند ظرفی پهلوانی‌های قهرمان داستان را در بر می‌گیرد و برخاسته از روایات حماسی-شفاهی یا مدون پهلوانی است. حماسه-ها غالباً از اسطوره‌ها سرچشمه می‌گیرند. دلایل اصلی کلی تبدیل اسطوره به حماسه را بر پایهٔ منابع ایرانی (خصوصاً شاهنامه) در چند دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد. «نخست اینکه با تکامل تمدن و فرهنگ، انسان و به تبع آن جهان‌بینی و باورهایش و نیز تغییراتی که در محیط پیرامونی او پدید آمده، حرکت فکری بشر از عصر اسطوره زیستی‌باوری، به دوران اسطوره‌پیرایی بوده است.

در روزگار اسطوره‌زیستی‌باوری، اساطیری مبنای باورها و استنباط‌های انسان در متن زندگی فردی و اجتماعی او بوده و آنها را به عنوان حقایق مطلق، ازلی و مقدس می‌نگریسته اما در دوره دیگر، اسطوره‌ها به تاثیر از نگاه خردمدارتر و تعقلی انسان به آنها، اندک اندک جنبه باور شناختی و معنوی خود را تا حدی از دست داده است و تفکر اسطوره‌باوری بشر نسبتاً ضعیف‌تر شده، لذا اسطوره‌ها برای اینکه ملموس‌تر شوند و بتوانند در چنین فضایی باقی بمانند به قالبی درآمده‌اند که بیشتر به زندگی و شرایط انسان نزدیک بوده است، یعنی آیین‌ها، معتقدات، نیروها، دشواری‌ها و غم و شادی‌های حیات او را با فرو نهادن بخش اعظمی از ارزش اعتقادی و آسمانی خود و به شکل این جهانی اما مثالی، نمودار و ترمیم کرده‌اند و طبیعی است که در این ساختار جدید، رنگ و بویی از ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی هر دوره را نیز پذیرفته‌اند.» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۲۷ و ۲۸)

۱-۲-۱ زمینه ظهور حماسه‌های دینی

قرن چهارم به دلیل تشکیل حکومت‌های نیمه مستقل ایرانی مانند سامانیان، نوعی حرکت ملی در پاسخ به تحقیر اعراب شکل گرفت و سبب رونق گرفتن حماسه‌های ملی شد. بنابراین بیشترین حماسه‌های ملی از قرن چهارم و پنجم است. در قرن پنجم به دلیل روی کار آمدن حکومت‌های ترک-تبار مانند غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان رفته‌رفته سرودن حماسه‌های ملی رو به زوال گذاشت و به جای آن حماسه‌های دینی و تاریخی رواج پیدا کرد. اگر چرایی این اتفاق را واکای کنیم به این نکته می‌رسیم، انسانی که در دوره سبک خراسانی طبیعت، توصیف و مدح سرلوحه کارش بود بعد از حمله مغول افسرده شد و از امور ظاهری به امور باطنی روی آورد. به عبارتی از آفاق به انفس تغییر دیدگاه داد. در این دوره همچنان سایه حماسه دیده می‌شود همان رجزخوانی‌ها، همان صلابت و فخامت زبان اما معنا و مفهوم تغییر کرده‌است. چهارچوب همان اسلوب را دارد اما معنی و موضوع تغییر یافته و تمرکز بیشتر روی دین و مبارزه حق علیه باطل است. در حماسه دینی از دنیای ظاهر به دنیای باطنی آدم تغییر شکل داد و به جای مبارزه با دیو و اهریمن مبارزه با دیو نفس آغاز شد. حماسه دینی در ادبیات کشور از زمان باستان تاکنون ادامه دارد و از کمیت بالایی برخوردار است و اولین مصداق آن یادگار زریران به زبان پهلوی است. همانگونه که حوادث ملی‌میهنی سرچشمه ظهور حماسه می‌شدند حوادث دینی هم سبب‌ساز ظهور اشعار دینی شده‌اند. بن‌مایه اشعار مذهبی انعکاس روح یکتاپرستی و میل به داشتن معبودی ازلی است.

۱-۱-۳ انواع حماسه از نظر قدمت

حماسه طبیعی (ابتدایی یا نخستین): تلاش انسان برای یافتن پاسخ سؤالات ضروری زندگی‌اش پدید آورنده اساطیر است. در این حماسه‌ها نفس حوادث و روایات حماسه‌ای و اسطوره‌ای هستند و سراینده در حماسی کردن یا اسطوره‌ای کردن آن دخالتی ندارد. منشا داستان واقعیت است. حکایات و اتفاقات ملی میهنی، مدون، مکتوب و دارای نمود خارجی است.

حماسه مصنوع: در آفرینش این حماسه نه یک ملت بلکه یک شاعر وجود دارد و شاعر خود به تنهایی دست به ابتکار و ابداع می‌زند. قدرت تخیل شاعر داستان را ساخته و پرداخته است. شایان ذکر است در هر دو نوع طبیعی و مصنوع صورت نظم و نثر وجود دارد.

هر چه به زمان حال نزدیکتر می‌شویم منظومه‌ها از متن تاریخی دور و به حوزه افسانه نزدیک می‌شود. تاریخ شفاهی ایران همان قصه و داستان به شرح دل‌آوری‌های مردمان آن روزگار بود که به صورت سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافت. داستان‌های ما اغلب روح حماسه و شرح پهلوانی‌ها بود. اما با ظهور اسلام روح حماسه با دین در هم ادغام شد و منظومه‌های دینی شکل جدید دل‌آوری‌های ملی را منعکس کرد.

تعریف حماسه دینی را اولین بار ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران به کار برده است. این حماسه یکی از اقسام حماسه است که در یک نگاه زیر مجموعه حماسه تاریخی محسوب می‌شود و موضوع آن وصف دل‌آوری‌ها و رشادت‌های قهرمان دینی و مذهبی است. همچنین ساخته و پرداخته شاعری است که به تقلید از زبان و بیان حماسه طبیعی سعی در سرایش آن دارد. اغلب این حماسه‌ها از متنی تاریخی الهام می‌گیرند. (صفا، ۱۳۶۹: ۶۱) وی در بحث از انواع حماسه و در ذیل عنوان منظومه‌های حماسی تاریخی می‌نویسد: «ممکن است موضوع حماسه تاریخی زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد که با توجه به حقایق تاریخی یا آمیزشی از وقایع تاریخی و مطلب داستانی به وجود آمده‌اند. یعنی منظومه‌هایی که بر اساس اعتقادات شدید دینی گویندگان آن گاه زیبا و دل‌انگیز باشد. من اینگونه منظومه‌های حماسی که اتفاقاً زیاد است را منظومه‌های حماسی دینی می‌نامم». اما با این اوصاف کزازی می‌گوید: «با اینکه حماسه زاده اسطوره است و از درون آن بر می‌شکافد و بر می‌آید، در سرشت بیش از اسطوره به تاریخ نزدیک است و با آن در پیوند» (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۸۶).

تعداد این منظومه‌ها در ادب فارسی زیاد است و تاریخ سرایش قدیمی‌ترین آن‌ها که کهن‌ترین منظومه حماسی شناخته شده است، به قرن پنجم هجری برگشته و موسوم به علی‌نامه است. «حمله حیدری» باذل و راجی و نیز *خاوران‌نامه* ابن حسام خوسفی از جمله مشهورترین این حماسه‌ها به شمار می‌آیند.

۱-۱-۴ دلایل به وجود آمدن حماسه دینی:

از اهم دلایل به وجود آمدن حماسه‌های دینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تسلط قبایل ترک زبان در اواسط قرن پنجم.
- ضعف حماسه‌سرایی ملی.
- ضعف اندیشه ملی‌گرایی.
- اختلاف شدید میان فضایل‌خوانان و مناقب‌خوانان.

از پیش از اسلام هم جریان‌های مختلف حماسه‌سرایی وجود داشته‌است. «چنان می‌نماید که حماسه و داستان حماسی از دوران فعالیت فرهنگی در حکومت پارت‌ها آغاز شده و تا پایان دوران ساسانیان ادامه داشته است». (عبادیان، ۱۳۸۷: ۱۴۴) منتها یکی در برخی ادوار بیشتر مورد توجه بوده، همانگونه که در شاهنامه هم حماسه‌های مختلفی را شاهد هستیم.

برجسته‌ترین حماسه‌های دینی به ترتیب زمان عبارتند از:

علی‌نامه، خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی، جنگ‌نامه علی (ع)، شاهنامه حیرتی (تونی)، غزوانه‌اسیری، صاحبقران‌نامه، حمله‌ حیدری باذل، دلگشانامه سروده غلامعلی آزاد بلگرامی، خداوندنامه فتحعلی خان صبا، حمله‌ حیدری راجی، اردیبهشت‌نامه‌ سروش اصفهانی، جنگ‌نامه محمد حنفیه و داستان علی اکبر، مختارنامه سروده عبدالرزاق بیگ دنبلی-متخلص به مفتون، افتخارنامه حیدری. (شمشیرگرها، ۱۳۹۰: ۱۳۸، ۱۳۷ و ۱۳۹)

۱-۱-۵ جایگاه حماسه دینی در بین ایرانیان:

حماسه دینی در بین ایرانیان از جایگاه بینابین برخوردار است. بین حماسه‌های اسطوره‌ای و حماسه‌های تاریخی قرار دارد، چنین منظومه‌هایی به رغم اینکه حوادث تاریخی و محقق‌الوقوع را تصویر می‌کند همواره به دلیل اینکه شاعران ذهنیت ملی از نوع ایرانی داشته‌اند و نیز شخصیت داستان برخوردار از نیروهای اعجاز و کرامت بوده همواره به مرز حماسه‌های اسطوره‌ای نزدیک می‌شده است. (شمشیرگرها، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

شاید همین حماسه‌های دینی و توجه به دین و مصائب ائمه اطهار بود که بعدها مناقب‌خوانان را به وجود آورد. با این وجود خالقی مطلق معتقد است اولین واکنش ملی ایرانیان در برابر اعراب نهضت حماسه‌سرایی نبوده است بلکه نهضت ترجمه از پهلوی به عربی بوده که در آن بسیاری از آثار حماسی به عربی ترجمه شده است. (خالقی مطلق، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۴۴)

۱-۱-۶ هدف از خلق حماسه‌های دینی:

برای زنده نگاه داشتن دین و اوامر الهی، حفظ ارزش‌های دینی و گسترش عدالت در جامعه، مناقب بزرگان دلیل اصلی مقابله‌ها و روضه‌خوانی‌ها شد. نیاز مروجان مذهب تشیع، از بین رفتن زمینه‌های سرایش ملی، نفوذ گسترده تعالیم اسلامی در ایران و طرز تفکر پیشوایان اسلامی مبنی بر لغو امتیازات نژادی و طبقاتی و باطل شدن تعصبات قومی و ملی، غلبه حکمرانی اقوام غیر ایرانی و ترک‌نژاد، ضرورت زمان و مسائل سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی که فضای فکری جامعه ایرانی در پایان قرن پنجم و کمی بعد از آن بود از ضروریات به وجود آمدن حماسه‌های دینی در ادب فارسی بود. بنا بر اطلاعات به دست آمده از کتاب النقض تالیف عبدالجلیل رازی. (۵۶۰ ق).

در کل حماسه دینی همان حماسه ملی است اما این بار رسالت نشر اعتقادات و احترام و بزرگی ائمه را در نظر دارد. از کمیت نسبتاً زیادی در ادبیات فارسی برخوردار است و بیان اندیشه‌های دینی و معنوی سرلوحه کار شاعر است. مناقب‌خوانان قصیده‌های منقبتی در مدح امام علی(ع) را در کوی و برزن خواندند و از مناقب امام علی(ع) و مغازی و پهلوانی و جنگ‌آوری‌های وی سخن گفتند و به تدریج زمینه فراهم آوردن حماسه‌های دینی را در ادب فارسی فراهم کردند.

۱-۱-۷ مختصری درباره مناقب‌خوانی:

منقبت از ریشه نَقَبَ به معنی شکافتن می‌آید و کنایه از شکافتن و بررسی فضایل، اوصاف و بزرگی و شجاعت ائمه و پیامبر (ص) می‌باشد. گاه مناقب‌خوانی در خفا و دور از چشم حکام زمان برگزار شده‌است. آن‌ها معمولاً خواندن قصاید و چکامه‌ها و تلاوت آیات قرآن را داشتند. همین مناقب‌خوانان بودند که بنیان‌گذار و مروج اشعار پهلوانی-مذهبی بودند. هر چند مورخان ادب فارسی بر آن بودند که حماسه‌های دینی پس از مغول شکل گرفته است اما پیدایی علی‌نامه این تصور را باطل کرد.

۱-۱-۸ ویژگی‌های عمده حماسه‌های دینی منظوم فارسی:

از مهمترین ویژگی‌های حماسه‌های دینی اینست که قهرمان اصلی انبیاء، ائمه و یا بزرگان مذهبی‌اند. حماسه پیرامون یک واقعه بزرگ و مشهور مذهبی است. درس و بحث دین را در قالب داستان و منقبت برای شنونده تعریف می‌کردند تا مخاطب پای صحبت آنان بنشیند و پذیرش بیشتر داشته باشد. در یک کلام شعر دینی موضوعش دین است. بر اساس مأخذ فراهم آمده‌اند و راوی در داستان نام برده می‌شود و مشخص است. تقلیدی از وزن و قافیه شاهنامه هستند. به پیروی از شاهنامه سروده شده‌اند. می‌توان گفت تمام حماسه‌ها سنگ‌بنای ابتدایی‌شان از شاهنامه نشأت گرفته و به عبارتی همان شاهنامه است که تغییر مضمون و محتوا داده اما چهارچوب همان است. در

تشخیص‌های زبانی و ادبی به شاهنامه شبیه‌اند. شاعران گاهی در ضمن قصاید ساقی‌نامه را به تقلید از نظامی می‌آوردند در این گونه ادبی عمده‌ترین حوادث خارق‌العاده، کرامات و معجزات اولیا و انبیاء است که در آن زبان حماسی به زبان غنایی متمایل می‌شود و اکثراً سست و مبتذل است زمینه اصلی آن‌ها دفاع از راستی و جوانمردی و نکوهش تقلب و دورویی و جُبْن است. در بیشتر موارد این اشعار منقبتی را ولایت‌نامه می‌نامیدند.

۱-۱-۹ درباره ولایت‌نامه‌ها:

در دوران صفویه نقالی رواج یافته بود. نقال‌ها بر سر کوی و قهوه‌خانه‌ها به نقل و داستان‌سرایی می‌پرداختند و شرح شجاعت و رشادت‌های ساختگی و واقعی را می‌دادند. آنان صدای خوش خود را شیوه امرارمعاش انتخاب کرده بودند و داستان‌های گاه ساختگی را برای سرگرمی مردم می‌پروردند. در این میان از مغازی و رشادت‌های امام علی و پیامبر اسلام (سلام الله علیهما) صحبت کرده و از اتفاقات گذشته صحبت می‌کردند.

در تاریخ ادب فارسی ولایت‌نامه نام یک نوع ادبی منظوم بوده که معمولاً مناقب‌خوانان یا مداحان در ساختن آن تبحر داشته‌اند. البته اغلب این ولایت‌نامه‌ها آمیخته به سخنان غیرواقعی بوده است. همانطور که خاوران‌نامه ابن‌حسام هم در واقع یک ولایت‌نامه است که مشحون از سخنان دروغین و افسانه‌های عجیب و غریب درباره امام علی (ع) است (افشاری ۱۳۸۹: ۱۷). در نهایت می‌توان گفت حماسه‌های دینی مانند دیگر انواع ادبی در ادب فارسی سیر تکوینی بر پایه تاریخ و باورهای ملی و اساطیری داشته است.

۱-۲ معرفی آتشی شیرازی

آتشی شیرازی بنا بر شواهد موجود در تذکره‌های فارسی، شاعر قرون نهم و دهم هجری است. دیوان قصاید او مشتمل است بر شرح غزوه‌ها و دلاوری‌های امیرالمؤمنین علی (ع) و همچنین معجزات پیامبر اسلام (ص) که شاعر خود در چند جای دیوانش آن را ولایت‌نامه خوانده است و تقریباً به ۵۰۰۰ بیت می‌رسد. شاعر شرح غزوات پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) را در قالب قصیده، در سده‌های نهم و دهم هجری سروده و در پایان قصاید نام خود را «آتشی» ذکر کرده است. در نسخه مجلس شورای اسلامی به سال ۸۴۶ و ۸۸۰ اشاره کرده که مشغول سرودن ولایت‌نامه بوده است. همچنین در نسخه دانشگاه تهران به سال ۸۸۴ تاریخ گذارده است و این نشان می‌دهد که در این ایام زنده بوده است.

هشتصد و چل بود و شش از هجرت شاه رسل کاین سعادت یافتم از عون حیّ مستعان
(نسخه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۱۶۳۱، برگ ۱۲۲)

به سال هشتصد و هشتاد بعد از هجرت احمد به شادی نظم شد چون این ولایتنامه غرّاً
(نسخه مجلس شورای اسلامی، ش ۱۱۶۳۱، برگ ۳۶)

به سال هشتصد و هشتاد چهار از هجرت سیّد بنای نظم کردم این ولایتنامه را در آخر
(نسخه دانشگاه تهران، ش ۳۱۹۵، برگ ۱۱)

به سال نهصد و بد ز هجرت که از توفیق جبار توانا
کشیدم این غزا در رشته نظم ز بحر طبع چون لؤلؤ ز لالا

(نسخه کتابخانه آیت الله خویی، ش ۲۲۸، برگ ۱۰۰)

مرحوم ملک الشعرا بهار در برگ ابتدایی نسخه مجلس شورای ملی (ش ۷۵۳۱) درباره او نوشته است که «از سنه ۸۰۰ به بعد می‌زیسته، به سال ۸۴۰ و ۸۸۰ تاریخ گزارده است. آتشی تخلص کرده و شیعه بود. اشعارش متوسط و مطابق مقصودش یعنی نشر فضایل ائمه بوده است».

۱-۲-۱ شاعرانی که تخلص آتشی داشته‌اند

در فهرستگان نسخ خطی فارسی (فنخا) شاعرانی که آتشی تخلص می‌کرده‌اند پنج تن به نام‌های سیّد طاهر آتشی شیرازی، آتشی شیروانی، حسن آتشی، آتشی اصفهانی و ناظم مهدی‌خان هستند. هرچند این جستار درصدد معرفی آتشی شیرازی است اما چون در پاره‌ای منابع اشعار آتشی شیرازی با دیگر شاعران متخلص به آتشی خلط شده است، ناگزیر نخست به معرفی شاعران دارای تخلص آتشی پرداخته می‌شود، سپس به او تا زمینه برای معرفی و بازشناسی آتشی شیرازی (خبّاز) فراهم شود.

نام آتشی در تذکره‌های نصرآبادی، آتشکده آذر، تذکره الشعرا و مجمع الفصحا نیامده است، اما تقی‌الدین محمد بن محمد اوحدی بلیانی (۹۷۳-۱۰۵۰ ق) در عرفات العاشقین و عرصات العارفین می‌گوید او: «آتش کانون سخندانی، ظلمات آب زندگانی، آتشی شیروانی شاعری قادر ماهر گرم‌سخن

است و خالی از رقت طبع و ماده علمی نبوده. در عهد شاه طهماسب به عرصه ظهور بوده به قصیده-
گویی مقدر و نامجویی مشهر است. {قال}:

صبحدم کاین زورق زرین به امر دادگر شد روان بر روی این دریای سبز پر درر
از پس پرده زلیخای سحرگه رخ نمود همچو یوسف کو برآورد از درون چاه

(اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۳۸)

علیقلی واله داغستانی (۱۱۲۴-۱۱۷۰ ق) نیز در *ریاض الشعر* درباره آتشی شیروانی می نویسد: «از
صاحب طبعان روزگار بوده. زمان خاقان سلیمان نشان مغفور شاه اسماعیل را دریافته است. او راست:
تا با غم تو دست در آغوش کرده ایم از هرچه غیر تست فراموش کرده ایم»

(واله داغستانی، ۱۳۹۱: ۷۷)

محمد رضا نصیری در *اثر آفرینان* که زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰
هجری شمسی است، چند شاعر با عنوان و یا تخلص آتشی نام برده است. نصیری نوشته: «آتشی،
میرزا حسن: (س سیزدهم ق)، شاعر حماسه سرا. از احوالش اطلاعی در دست نیست. اثر وی
جنگ نامه ای است حاوی منظومه هایی با عناوین: جنگ نامه محمد بن علی، جنگ نامه حضرت علی (ع)،
جنگ ادهم با مکید، داستان غزای تبوک و گریختن لشکر از ضرب ذوالفقار. این داستان ها همه دارای
جنبه حماسی کامل است، برخی از آن ها به بحر متقارب است، که در ۱۲۷۱ ق چاپ شده است.
آتشی شروانی: (س دوازدهم ق)، شاعر. متخلص به آتشی. از اوست:

صبحدم کان زورق مینا به امر دادگر شد روان بر روی این دریای سبز پر درر
از پس پرده زلیخای سحرگه رخ نمود همچو یوسف کو برآورد از درون چاه سر

نصیری ذیل مدخل آتشی شیروانی به آتشی شروانی ارجاع داده است. گویا شیروان و شروان با
توجه به بُعد مسافتی که اکنون دارند در سخن قدما دو تلفظ برای نام یک شهر است و در کتب کهن
به هر دو شکل آمده است.

محمد علی تربیت نیز در کتاب *دانشمندان آذربایجان* درباره آتشی شیروانی گفته: «قبل از آتشی
مزبور دارای این تخلص بوده و این دو بیت مشهور از اوست.

صبحدم کان زورق زرین به امر دادگر شد روان بر روی این دریای سبز پر درر
از پس پرده زلیخایی سحرگه رخ نمود همچو یوسف کو بر آورد از درون چاه سر»

(تربیت، ۱۳۱۴: ۲)

منظور از آتشی مزبور در سخن تربیت، آتشی مراغه ای است که «در عهد فتحعلیشاه، منصب
شیخ الاسلامی آن شهر را داشته و از شعرای معروف آن بلده محسوب می شود. کتب زیادی تألیف کرده
و دیوانی هم دارد؛ ولی بیشتر اشعار آن به زبان ترکی است» (تربیت، ۱۳۱۴: ۲).

آقابزرگ تهرانی در الذریعه برای آتشی شیروانی مدخلی در تذکره‌اش با این شرح می‌گشاید: «دیوان آتشی الشیروانی ترجمه فی (دجا-ص ۲) و آورد بیتین من شعره نقلاً عن تذکره کعبه عرفان» (تهرانی، ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳: ۲).

نام سیدطاهر آتشی شیرازی با دو لقب نانوا و حکیم در فهرست‌ها ثبت شده است. با اینکه این نام برای دو فرد مجزا و در زمان (قرن نهم و یازدهم) و مکان (هند و ایران) مختلفی است اما در اکثر موارد به اشتباه یکی پنداشته شده و گاهی آثار یکی را منسوب به دیگری دانسته‌اند. این مطلب در ذیل ذکر آتشی شیرازی به تفصیل آمده است.

۱-۲-۲ ذکر آتشی شیرازی (خبّاز) در تذکره‌ها

در تذکره‌ها نام آتشی همراه صبوحی شاعر ذکر شده است؛ گویا او نیز خبّاز بوده و یکدیگر را هجو می‌گفته‌اند. در بیشتر تذکره‌ها به ذکر تنها دو یا سه جمله درباره آتشی شیرازی اکتفا شده و اکثر آن‌ها نیز تکراری است. تکرارها و رونویسی از تذکره‌ها باعث بروز اختلافاتی شده که گاهی نسخه‌ای را به نام کسی دیگر و یا چند نسخه را به نام یک نفر نوشته‌اند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

امیرعلیشیر نوایی (۸۸۴-۹۰۶ ق) نام آتشی را همراه با صبوحی، در *مجالس النّفایس* ذیل روضه دوم بهشت هشتم «ذکر احوال و اشعار سلطان سلیم‌خان و شعرای معاصر او که تا سنه ۸۲۹ حیات داشته‌اند» می‌آورد و می‌نویسد: آتشی «شیرازی است و نانوایی می‌کرده و شعر او نیکوست و این مطلع ازوست.

بس که چیند ز آن تن سیمین عرق پیراهنش
می‌توان خوردن ز لطف آب حیات از دامنش
و له:

چنین کز هرطرف زلف تو غارت می‌کند دینم
روم در تاب و لیکن در میان روی تو می‌بینم»
(نوایی، ۱۳۶۳: ۳۸۸ و ۳۸۹)

همچنین سام میرزا صفوی (۹۲۳-۹۸۳ ق) در *تحفه سامی* آورده است: «از شعرای مشهور شیراز است. او را با صبوحی ابواب هجو مفتوح شده بود. همدیگر را هجوهای رکیک می‌کردند که ایراد آن لایق این مختصر نیست. این مطلع از اوست.

بر شاخ سرو قمری نالان به بند توست
او را مکش که عاشق سر در کمند توست»

(صفوی، ۱۳۸۹: ۲۵۰)

محمدحسین رکن‌زاده-آدمیت در *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس* در ذکر احوال آتشی شیرازی می‌گوید: «از شعرای قرن نهم هجری است. نام او را فقط در *مجالس النّفایس* امیرعلیشیر نوایی دیده‌ام.

شغلش نانوایی بوده و شعر را بد نمی‌گفته» (آدمیت، ۲: ۱۳۳۷). سپس همان دو بیت مذکور در مجالس التّفائس را به عنوان نمونه اشعار وی ذکر کرده است.

خیّامپور نیز به نقل از تحفه سامی و الذریعة آقابزرگ تهرانی، آتشی شیرازی را خبّاز و حکیم خوانده و او را به سال ۹۲۸ ه.ق زنده دانسته است (خیّامپور، ۱۳۴۰: ۱).

از این سخن خیّامپور مشهود است که آتشی خبّاز و آتشی حکیم با یکدیگر خلط شده‌اند. نصیری در اثر آفرینان می‌گوید: «آتشی شیرازی، سیدطاهر: (ز ۹۱۰ ق) شاعر. از شعرای مشهد و شیراز بود. از نام و نشان او اطلاعات کافی در دست نیست. شغلش نانوایی بوده‌است، به همین جهت او را آتشی خبّاز نیز نامیده‌اند. گویا میان او و صبحی شیرازی باب هجو مفتوح بوده است. دیوان آتشی به تاریخ ۹۱۰ ق، مشتمل بر قصایدی است در باب غزوات امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابیطالب (ع). از دیگر آثار او معدن/فکار در ۲۳۰۰ بیت است» (نصیری، ۴: ۱۳۸۴ و ۵).

پیش از این خیّامپور در فرهنگ سخنوران آتشی حکیم و آتشی خبّاز را یکی دانسته‌بود در این مبحث نیز نصیری معدن/فکار را به آتشی خبّاز نسبت می‌دهد اما مجتبیایی می‌نویسد: «شواهد بسیار چون اقامت شاعر در دکن، سرودن اشعاری در ستایش نواب مصطفی خان، نام بردن از مثنوی معدن/فکار که از آثار محمدامین آتشی است و وجود غزل "الهی از می معنی لبالب ساز جامم را" در هر دو نسخه دیوان هند و کتابخانه مرکزی، همگی نشان می‌دهد که این کتاب نسخه‌ای از دیوان اشعار و مثنوی‌های حکیم امینای آتشی است. در بعضی از اشعار این دیوان، شاعر نام خود را طاهر گفته است» (مجتبیایی، ۱۳۶۷: ۱۰۱).

پناهی در دانشنامه زبان و ادب فارسی، دوباره همین مطلب را تکرار کرده و معدن/فکار را به حکیم محمدامین آتشی منسوب دانسته که پزشک دربار محمد عادلشاه بوده است. «حکیم محمدامین آتشی یا امینا، شاعر پارسی‌گوی و پزشک ایرانی مقیم هند در سده یازدهم ق. در دیوانی که از او به جا مانده خود را سیدطاهر معرفی کرده‌است... برخی نویسندگان او را با شاعران دیگری با تخلص آتشی مانند آتشی خبّاز شیرازی و آتشی شیرازی مشهدهی خلط کرده‌اند... معدن/فکار که در ۲۳۰۰ بیت و بر وزن مخزن الاسرار نظامی سروده شده و در ۱۴ شعبان ۱۰۴۳ ق به پایان رسیده است...» (پناهی، ۱۳۸۴: ۱۴ و ۱۵) هر چند پناهی و مجتبیایی در این مقالات با اذعان به اینکه شاعر در ضمن شعر خودش را طاهر معرفی کرده، نسخه دانشگاه تهران را منسوب به محمد امین آتشی می‌دانند و دلیل این انتساب را یکسانی پاره‌ای از اشعار این نسخه با نسخه به جا مانده از محمد امین آتشی در هند و آصفیه عنوان می‌کنند اما آنچه مشهود است این‌که اشعار طاهر آتشی و محمدامین آتشی در نسخه شماره ۲۴۱۲ تهران خلط شده و یا کاتب مواردی را بدان افزوده‌است کمالینکه یکسانی برخی قطعات در دو نسخه دلیلی قطعی برای انتساب نسخه به نام دیگری نیست با اینکه شاعر خود نامش را ضمن شعر عنوان کرده است.

شاعر در نسخه ۲۴۱۲ دانشگاه تهران ضمن شعرش خود را طاهر معرفی می‌کند:

«ساغرم از باده فکرت پر است آب این دریا به نسبت چون دُر است

باده طاهر بود در جام من ظاهر است این مدعا از نام من»

(نسخه دانشگاه تهران، ش ۲۴۱۲: ص ۶۵۶)

این احتمال داده می‌شود که به دلیل اینکه هر دو شاعر آتشی تخلص کرده‌اند پاره‌ای از اشعار حکیم امینای آتشی در دیوان میرطاهر آتشی وارد شده باشد؛ یا خطای کاتب بوده است یا کاتب نیز با تکیه بر همسانی تخلص دو شاعر همه را به نام میر طاهر ضبط کرده است. به هر صورت انتساب تمام دیوان به حکیم امینای آتشی درست نمی‌نماید و حتی می‌توان گفت اگر نسخ موجود در آصفیه و هند نامی از حکیم امینای آتشی را در خود مضبوط نداشته باشد جای شک برای انتساب آن دو اولین نیز به این نام وجود دارد.

علی ایحال در منابع جدیدتر مانند *اثر آفرینان*، آتشی شیرازی با چهار نام متفاوت؛ آقامحمد، شیخ عبدالله فرزند آقا محمد کاظم مجتهد، محمدباقر شریف و سیدطاهر آمده است. شاعر مورد نظر ما سیدطاهر است و به احتمال قریب به یقین سه تن دیگر نمی‌توانند در سلک این بحث گنجانده شوند زیرا آقامحمد کاظم فقیه و مجتهد، شیخ عبدالله عالم دینی، مدرس و محمدباقر شریف نیز خطاط و از هنرمندان معروف خط ثلث بوده‌اند (نصیری، ۱۳۸۴: ۵۴).

آقابزرگ تهرانی در *الذریعه الی تصانیف شیعه*، ذکر احوال آتشی خبّاز را این‌گونه بیان می‌کند: «دیوان آتشی الشیرازی المشهدی. ترجمه الحکیم شاه محمد القزوینی فی ترجمه مجالس النّفایس فی البهشت الثامن (ص ۳۸۸) و ذکر انه کان خبّازاً و آورد مطلع غزلین له بعد ذکره لصبوحی الخبّاز. و قال سام میرزا فی «تحفه سامی-ص ۱۷۴» أنه من شعراء مشهد و شیراز و آورد بعضاً آخره من شعره - وَ کَانَ مَعَاصِرًا لِّصَبُوحِ الشَّيْرَازِي وَ کَانَ بَيْنَهُمَا مُهَاجَات. و توجد دیوان آتشی فی غزوات علی (ع) و کُلُّهَا قَصَائِدُ نَظْمَتْ فِي (۹۱۰) عِنْدَ مُحَمَّدِ النَّخْجَوَانِي» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳: ۲۰).

آقا بزرگ تهرانی در *الذریعه* نسخه آتشی شیرازی را نزد محمد نخجوانی می‌داند، با اینکه پس از مشاهده این نسخه دانسته شد نسخه‌ای که در سال ۹۱۰ کتابت شده و به نسخه نخجوانی معروف است همان نسخه آتشی شیروانی است و در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود.

در تمامی این تذکرها به یک نظر واحد می‌توان رسید که طاهر آتشی شیرازی نانوا بوده و در سال ۹۱۰ ه.ق زنده بوده است. همچنین با مطالعه نسخ نیز این مطلب مستفاد می‌گردد که آتشی با بیان تاریخ ضمن شعرش به سال حیات خود صحّه می‌گذارد. شاعر در میان نسخ از اثر دیگری غیر از *ولایتنامه* نام نمی‌برد. او در پایان قصایدش پس از اینکه خود را مداح علی (ع) و اهل بیت می‌داند، نام خود را آتشی می‌گوید.

اگرچه آتشی نامم بود از آتش دوزخ نگهدار و درآرم از کرم در جنت الماوی

(نسخه کتابخانه آیت الله خویی برگ ۷۲)

انتخاب تخلص آتشی می‌تواند دلیلی بر سکونت او در محله آتشی‌های شیراز باشد.

۱-۳ معرفی نسخه‌های اشعار وی

برای یافتن تعداد کامل و دقیق نسخ، در فهرست‌ها تنها به اسم میرطاهر آتشی و یا سیدطاهر آتشی اکتفا نگردیده و با کلیدواژه آتشی به جستجو پرداخته شد؛ عناوین مختلفی مانند آتشی شیرازی، آتشی مشهدی، آتشی شروانی، میرزااحسن آتشی، محمّدامین آتشی و سیدطاهر آتشی یافت شد و نسخ آن‌ها تهیه گردید. از میان این نسخ، نسخه کلیات دیوان سیدطاهر آتشی کاملاً از نسخ دیگر به لحاظ سبک و محتوا متفاوت است و اصلاً در زمره نسخ دیوان آتشی شیرازی (خبّاز) قرار نمی‌گیرد. لازم به یادآوری است این نسخه به استناد مقاله موجود در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که ذکر آن رفت (مجتبایی، ۱۳۶۷: ۱۰۱) با عنوان کلیات سیدطاهر آتشی شیرازی و به شماره ۲۴۱۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود اما این همانمی دلیل بر یکی بودن اشعار و شاعران نبود و در مقابله نسخ حذف شد. یازده نسخه باقیمانده که اشعار سیدطاهر آتشی (خبّاز شیرازی) در آن‌ها موجود است در کتابخانه شخصی آیت‌الله خویی، مسجدجامع گوهرشاد، ملی تبریز، کتابخانه شخصی آقای عاطفی، مجلس شورای اسلامی، مجلس شورای ملی، دانشگاه تهران، آستان قدس رضوی (دو نسخه) و کتابخانه ملی (دو نسخه) نگهداری می‌شوند که به صورت پراکنده در چند قصیده با هم برابری می‌کنند. اگر اقدم نسخ را اساس قرار دهیم در هر نسخه تعدادی قصیده با نسخه اساس مطابقت دارد و هیچ نسخه‌ای کاملاً با دیگری برابر نیست.

بنابر شواهد موجود آتشی نام چند شاعر است که اشعارشان به سبب همانمی با یکدیگر خلط شده و این در هم آمیختگی سبب بروز ناهمگونی در نسخ اشعار آتشی شیرازی شده است. حال به معرفی نسخ و ویژگی‌های رسم الخطی آن‌ها به ترتیب قدمت پرداخته می‌شود:

۱. نسخه کتابخانه آیت‌الله خویی (با شماره ۲۲۸): این نسخه در ۱۵۲ برگ ۱۶ سطری و با کادربندی سنگرف کتابت شده است. هرچند کادربندی مشخصی دارد اما در پاره‌ای از صفحات ابیات نامرتب آمده‌اند و دو شعر ابتدایی نسخه در قالب مثنوی سروده شده است. کاتب در آغاز سال تحریر را ۱۲۳۵ نوشته و در ترقیمه سال تحریر را این‌گونه متذکر می‌شود: «تَمَّتْ الْكِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ سَنَةِ ۱۲۴۲» گویا کتابت نسخه هفت سال به طول انجامیده است. در شانزدهمین برگ نسخه با خطی جدید و غیر از خط کاتب سال تحریر نسخه ۱۲۴۲ آمده و در برگ ۱۳۳ دوباره سال ۱۲۴۲ تکرار شده است. در برگ ۲۳ نوشته شده که آتشی در سال ۱۲۳۲ می‌زیسته و این اشعار را سروده است اما با توجه به آخرین نسخه موجود، یعنی نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی که در سال ۱۲۷۱ هجری نوشته شده است، این ادعا درست نمی‌نماید. در برگ‌های ۴۰ و ۴۲ درباره مالک و خریدار نسخه نوشته شده: «در سنه ۱۳۵۹ هفدهم دی (۱۳۱۹) این کتاب از عبدالمحمد آیتی به توسط کریم غلامحسینی گرفته شد». در برگ ۴۸، دست‌خطی با این مضمون وجود دارد: «مطالعه شد مرتضی رشیدی بن احمد کرمانشاهی سنه ۱۳۵۴». این یادداشت در برگ ۹۲ نسخه نیز تکرار شده است.

شاعر در پایان تمامی قصاید، پس از حمد خدا، نعت رسول، ائمه علیهم السلام و استغفار از درگاه خدا، خود را آتشی معرفی کرده است.
 آغاز: افتادگی دارد و دو شعر ابتدایی در قالب مثنوی است.

یا علی یا علی به حق رسول سعی ما را ز لطف ساز قبول
 هر امیدی که باشم در دل ساز از لطف خویشان حاصل

انجام:

خداوندا به حق نور پاک چهارده معصوم که از لطف و عطای خود ز جرم مؤمنان بگذر
 بیخشی آتشی را هم که نطق او بود گویا به نعت مصطفی و مدح شاه عترت اطهر

از مشخصات رسم الخطی نسخه است:

- ک به جای گ.
- پ همان پ آمده.
- اتصال صفت اشاره به کلمهٔ پسین. مانند: آتشی.
- انفصال کلمات ترکیبی. مانند: راهبر
- آوردن همزه بدل از ای نکره. مانند: شمهٔ.
- اتصال می استمراری به فعل. مانند: میامدم.
- قرار دادن دو نقطه در زیر ی.
- اتصال حرف ربط که به کلمهٔ پسین. مانند: کاینچنین.
- اتصال صفت اشاره به فعل. مانند: اینشد.
- اتصال فعل / است به کلمهٔ پیش از خود و حذف همزه میانی. مانند: علیست.
- اتصال عدد یک به معدود. مانند: یکتن.
- استفاده از ه به جای ت مبسوط. مانند: حیاة.
- اتصال حرف اضافهٔ ب به کلمهٔ پسین. مانند: بحق.
- در کلماتی که حرف پایانی آنها ه است در جمع بسته شدن با ها، یکی از ه ساقط می- شود. مانند: نعرها به جای نعره‌ها.

۲. نسخهٔ کتابخانهٔ مسجد جامع گوهرشاد (به شماره ۱۴۴۶): این نسخه از لحاظ قدمت و

البته ذکر تاریخ تالیف، در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. در برگ ابتدایی یادداشت شده است که این نسخه به سال ۱۲۲۵ ه. ق با خط کتابت در ۳۳۵ صفحهٔ ۱۸ سطری و در قطع ۲۱×۱۵ سانتیمتر نگاشته